

هانری گوییه

تأثیر وجود

دکتر مازنا، مریمنی

(عضو هیئت علمی، دانشگاه بوعلی سینا)



۱۳۹۸

سرشناسه	: گوییه، هانری، ۱۸۹۸-۱۹۹۴ م. Gouhier, Henri, ۱۸۹۸-۱۹۹۴
عنوان و نام پدیدآور	: تئاتر و وجود/ هانری گوییه؛ ترجمه مازیار مهیمنی.
مشخصات نشر	: تهران: بوی کاغذ، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۲۶۹ ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	: 978-622-6070-09-6
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت	: عنوان اصلی: Le Théâtre et l'existence, Henri Gouhier, 1991
زبان	: ۱۳۹۷ ت ۹۱/۵۹ PN۱۶۳۱
رده بندی دیویی	: ۸۰۸/۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۴۰۹۰۶۷

تهران، میدان انقلاب، ابتدای خیابان کارگر شمالی، کوچه مجد، شماره ۵.

واحد یکم غربی، کد پستی: ۱۴۱۸۹۴۵۸۵۱

تلفن: ۰۲۱-۶۶۱۲۸۴۹۱، فکس: ۰۲۱-۹۲۱۲۵۷۶۵۹۳

وبسایت: www.booka.ir

رایانامه: info@booka.ir



Le Théâtre et l'existence

Henri Gouhier

تئاتر و وجود

هانری گوییه

ترجمه دکتر مازیار مهیمنی

طراح جلد: مهدی پرستار شهری

مدیر تولید: احمد رمضانی

چاپ: اول، ۱۳۹۸

چاپ و صحافی: چاپ سفیر قلم

ناظر فنی چاپ: رضا جمفری

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۷۰-۰۹-۶

قیمت: ۴۸۰.۰۰۰ ریال

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

۹	پیش‌گفتار
۱۳	فصل نخست: جهان دراماتیک
۱۳	(۱) مقولات دراماتیک
۱۸	(۲) عینیت و انسان‌محوری
۲۷	(۳) در باب وجود
۳۷	فصل دوم: مقوله تراژیک
۳۷	(۱) تراژیک و استعلا
۵۲	(۲) تراژیک و آزادی
۶۸	(۳) تراژیک و شعر
۷۷	فصل سوم: مقوله دراماتیک
۷۷	(۱) تراژیک و مرگ
۸۵	(۲) مرگ به مثابه بنیان امر دراماتیک
۱۰۰	(۳) دراماتیک و متافیزیک
۱۱۵	فصل چهارم: وجود روی صحنه
۱۱۵	(۱) در باب واقعیت به مثابه قرارداد
۱۲۲	(۲) در باب امر غیرواقعی
۱۳۷	(۳) نمایش عروسی
۱۴۹	فصل پنجم: مقوله کمیک
۱۴۹	(۱) شرط کمیک
۱۶۲	(۲) تیپ
۱۷۸	(۳) تجرید کمیک

۱۸۹	فصل ششم: امر شگفت‌آور
۱۸۹	(۱) قصه‌پردازی
۱۹۶	(۲) امر تراژیک و امر شگفت‌آور
۲۱۲	(۳) در باب شگفتی‌های علم
۲۱۹	فصل هفتم: گونه‌های نمایشی
۲۱۹	(۱) در باب گونه‌های نمایشی و آمیختگی آنها
۲۲۹	(۲) در باب گره‌گشایی
۲۳۷	(۳) در باب تعلی
۲۵۳	سخن پایانی
۲۵۵	نمایه
۲۶۰	فهرست اصطلاحات
۲۶۵	واژه‌نامه فرانسه به فارسی

پیش‌گفتار

«تئاتر چیست؟»

این پرسشی فلسفی است، اگر فلسفه را تعمقی بدانیم در باب اصول اولیه و طبیعت چیزها...».

در کتاب حاضر، چنانکه در قبلی^۱، عبارات بالا حکم مقدمه را دارند. پس از سرشت (essence)، وجود (existence).

اینجا همان جستار پیشین پی گرفته می‌شود. دقیق‌تر بگوییم، مسیر این جستار همان است که در کتاب سرشت تئاتر و در فصل «مقولات نمایشی و مقولات زیباشناختی»^۲ رسیدن یافته بود.

فلسفه تئاتر، پس از کوشش در بیان چیستی این هنر، آن را چنانکه هست می‌نگرد؛ نه دیگر تئاتر به عنوان تئاتر، بل تئاتر مثلاً به عنوان تئاتر تراژیک، تئاتر دراماتیک، تئاتر کمیک، تئاتر پری، و... باری این صفات به چیزی اطلاق می‌شوند که بر صحنه روی می‌دهد؛ چیزی که وجود خود را از تئاتر می‌گیرد و تنها در تئاتر وجود دارد.

طبعاً نباید پنداشت که صورت‌های بالا تنها جامه‌های نمایشی‌اند که هر بار به شکلی بر قامت وجود پوشانده می‌شوند: بررسی آنها پس نمودگار رابطه مضاعفی است که دنیای صحنه و صحنه دنیا را در عین حال به هم نزدیک می‌کند و در مقابل هم قرار می‌دهد.

پس رویکرد به این رابطه نیز مضاعف خواهد بود.

فلسفه درام چیز تازه‌ای نیست، اما بسیاری از فیلسوفان، حتی پیش از

1. *L'Essence du théâtre*, Plon, 1943 [G].

2. *Catégories dramatiques et catégories esthétiques*

کشف ابعاد متافیزیکی تئاتر، ساختمان فلسفه خود را کامل کرده‌اند. مثلاً وقتی از معنای تراژیک سخن می‌گوییم، این معنا نخست در جهان‌بینی فیلسوف وجود دارد و سپس تئاتر به تأیید آن فرا خوانده می‌شود. با پژوهشی وسیع‌تر شاید بتوان این فرآیند را نزد هگل یا شوپنهاور و پیش از آنها نزد افلاطون نشان داد.^۱

آیا نمی‌توانیم کوشید تا از تئاتر به فلسفه برسیم و نه دیگر چونان گذشته از فلسفه به تئاتر؟

تئاتر گرچه خود خالق مقولات فلسفی نیست، دست‌کم می‌تواند با تکیه بر خلوص مایشا این مقولات را بر صحنه متبلور سازد و در معرض تحلیل‌های دقیق قرار دهد. تئاتر مجموعه‌ای از داستان‌ها را به ما هدیه می‌کند که اساساً افروخته‌اند تا نمایشی باشند و نمایشی بنمایند. سوفوکل مصائب ادیپ را به سبب نیروی تراژیک‌شان به نمایش در می‌آورد و مولیر بدببیری‌های مسیو دو پورسونیاک^۲ را به رجب قدرت کمیک‌شان. و دسته دسته تماشاگرانی که پیوسته نو می‌شوند، پیوسته آن نیروی تراژیک و این قدرت کمیک را درمی‌یابند. پس محتوای تراژیک را در تراژدی بجویم، محتوای کمیک را در کمدی و مضحکه (farce) و ربا دراماتیک را در درام. زیرا تنها هدفی که آثار نمایشی از خلال رویدادها، سوفیت‌های مختلف دنبال می‌کنند باز نمودن همین محتواهاست.

اما اگر معنای تراژیک را از خود تراژدی یا معنای کمیک را از خود کمدی طلب کنیم، آیا در دور باطل گرفتار نمی‌آییم؟ آیا برای نوشتن یا تشخیص

۱. مثلاً نگاه کنید به:

Victor Goldschmidt, *Le problème de la tragédie d'après Platon*, dans *Revue des Études grecques*, 1948; P. Bertrand, *Le Sens du tragique chez Hegel*, dans *Revue de Métaphysique et de Morale*, avril 1940; Jean Hyppolite, *Genèse et structure de la Phénoménologie de l'Esprit de Hegel*, Aubier, 1946, p. 340 sq; André Fauconnet, *L'Esthétique de Schopenhauer*, Alcan, 1913, ch. XIII, XIV et XV [G].
2. M. de Pourceaugnac

تراژدی و کمدی نباید چستی تراژیک و کمیک را بشناسیم؟

دور البته وجود دارد، اما نه ابداً دور باطل: دور شناخت دقیق.

به یمن تجربه و فرهنگ، ذهن ما از واژگانی غنی و به تبع آن از مفاهیمی بس پیراسته برخوردار می‌گردد. معنای این مفاهیم تنها در این حد بر ما آشکار است که بتوانیم آنها را از هم تمیز دهیم، نه اینکه محتوای هریک را به تمامی دریابیم. از این روست که لاشس^۱، سرباز شجاع، به راستی از تعریف شجاعت ناتوان است، هرچند ثابت کرده آن را می‌شناسد. اوتیفرون^۲ پرهیزگار از تعریف پرهیزگاری عاجز است، گرچه زندگی‌اش سراسر بر شناخت آن گواهی می‌دهد.... و تراط بر سردرگمی آنان لبخند می‌زند....

کارکرد تعریف فلسفی دقیقاً همین است که بینش مبهم را به نگرش دقیق بدل سازد. باری این زمان را می‌دهد که ذهن به جای اکتفا به پرتوی که قالب بیرونی چیزها را در بر می‌گیرد، در جست و جوی نوری بر می‌آید که اندرون را می‌افروزد. شاعرانی که ادیب‌ترین تراژدی‌ها را سروده‌اند شاید از تبیین ماهیت تراژیک آثارشان ناتوان باشند. تماشاگران بی‌شمار به این خصلت تراژیک پی برده‌اند و برای تشخیص آن به هیچ تعریفی نیاز نداشته‌اند. غرض این نیست که به اینان یاد از درس بدهیم. برخلاف، می‌خواهیم پای درس بنشینیم: چگونه است که تراژدی، به منزله رویدادی نمایشی، می‌تواند منش تراژیک خود را پیوسته به راستی آزمایی (vérification) بسپارد و هربار سربلند بیرون آید؟ چگونه است که اثری مثل هملت نزدیک به چهار قرن، در نظر گونه‌گون‌ترین تماشاگران، بر صحنه‌هایی با معماری‌های سخت متفاوت و با عبور از تفسیرهایی همواره نو، همچنان در مقام یک تراژدی به رسمیت شناخته می‌شود؟

1. Lachès

2. Euthyphron

اگر چنین بنگریم، تاریخ تناتر چونان تجربه انسانی وسیعی جلوه خواهد کرد که در آن، تعمق فلسفی می‌کوشد مقولات دراماتیک را در بطن کنش دراماتیک کشف کند.^۱

1. Les thèses des chapitres II et III ont été présentées sous le titre: *sens du tragique* dans *La Revue théâtrale*, mai 1946. Celles du chapitre V, sous le titre: *L'Esprit de la comédie*, dans *Prisma*, Stockholm, 1949; et sous le titre: *Condition du comique*, dans *Revue d'Esthétique*, juillet-décembre 1950. La partie III du chapitre VI reprend un article: *Un merveilleux scientifique est-il possible?* paru dans *Opéra*, 9 avril 1947 [G].